

نقد فرمایش مرحوم بروجردی:

۱. تفاوت به مقارنات چه فرقی با تفاوت به عوارض مشخصه دارد؟
ممکن است بگوییم «عوارض مشخصه» زمان و مکان امر و آمر آن و ... می باشد ولی مقارنات مثل «نون تأکید» و یا عصبانیت آمر و ... می باشد. عوارض مشخصه با شیء در وجود مشترک هستند و اصطلاحاً وجود بالذات آنها عین وجودشان برای موضوع (شیء) می باشد در حالیکه وجود مقارنات، وجود مستقل است و ارتباطی با وجود شیء ندارد.

۲. اما در همین جا می توان گفت «صوت بلند» که مرحوم بروجردی آن را مقارن به حساب می آورند. از عوارض مشخصه است و لذا گاه مقارن ها، همان عوارض مشخصه هستند و لذا تمایز به عوارض مشخصه می شود.

۳. اما اشکال اصلی بر مرحوم بروجردی آن است که:

اولاً: اگر بحث در تمایز بین کلی وجوب و کلی استحباب (که ما آنها را دو صنف از طلب انشایی می دانیم) مطرح است، تمایز این دو صنف به عوارض مرتبط با صنف است و نمی توان تمایز آنها را به مقارنات که مربوط به عالم خارج و افراد عینی است، دانست و اگر سخن درباره افراد خارجی وجوب و استحباب است (که تمایز آنها را به مقارنات خارجی می دانید)، تمایز افراد خارجی به عوارض مشخصه است.

ثانیاً: اگر طلب وجوبی و طلب ندبی از همه جهت (حتی عوارض مشخصه صنف) همانند هم هستند، چگونه دارای علت های مختلف (اراده شدیده و اراده ضعیفه) هستند؟ مگر نه این است که خود ایشان قبول دارند که (در جواب به قول سوم):

«العلتان المختلفتان لا یعقل أن یكون ما صدر عنهما متماثلین من جمیع الجهات، و یكون المائز بین المعلولین منحصرًا فی كون أحدهما منتسبًا إلى العلة الكذائبة، و الآخر منتسبًا إلى العلة الكذائبة الأخری.
ففیما نحن فیہ لیس لأحد أن یقول: إن الطلب الوجوبیّ و الندبی متماثلان من جمیع الجهات، و إنما یتصف الطلب الوجوبیّ بهذه الصفة، أعنی صفة الوجوب بصرف انتسابه إلى الإرادة الشدیدة، و الطلب الندبی یتصف بهذه الصفة بصرف انتسابه إلى الإرادة الضعیفة.»^۱

پس حتماً طلب وجوبی و طلب استحبابی با یکدیگر تمایز ذاتی دارند. (یا تمایز در ماهیت ذاتی و بعض ذاتی و یا تمایز در وجود: عوارض مشخصه)

۱. نهاية الأصول؛ ص ۱۰۳



إن قلت: وجوب عبارت است از «طلب + مقارنات».

قلت: حتما مرحوم بروجردی به این امر قائل نیستند چراکه در این صورت وجوب مرکب می شود. اما اینکه ایشان مقارنات را مطرح می کنند. صرفاً آن را به عنوان «علت علم به اراده شدید یا اراده ضعیفه» طرح می فرمایند و نه آنکه آن را جزء حقیقت وجوب قرار دهند.

إن قلت: اگر بگوییم اعتبار وجوب، به این نحوه است که معتبر دو جزء (طلب و مقارن) را همراه هم به صورت واحد اعتبار می کند و لذا وجوب یک امر واحد اعتباری است.

قلت: پس در این صورت تفاوت وجوب و استحباب به جزء ذات می شود.

چراکه واحد اعتباری اگرچه امری بسیط است ولی قابل تحلیل به ما به الاشتراک و ما به الامتیاز است و جزء ذات وجوب و استحباب (طلب) با یکدیگر مشترک می شود.

جمع بندی مبنای مرحوم بروجردی:

این قول ثبوتاً قابل پذیرش نیست.

❖ قول هشتم: قول امام خمینی

حضرت امام در تبیین نظرات خویش مقدماتی را مطرح می کنند. چندین مقدمه ایشان را سابقاً بالاجمال خواندیم، اینک به تفصیل همه آنها اشاره می کنیم:

مقدمه اول:

«الأولى: أنه تختلف إرادة الفاعل فيما صدر منه قوة و ضعفاً حسب اختلاف أهمية المصالح المدركة عنده، فالإرادة المحركة لعضلاته لنجاة نفسه عن الهلكة أقوى من الإرادة المحركة لها للقاء صديقه، و هي أقوى من المحركة لها للتفرج و التفریح، فمراتب الإرادة قوة و ضعفاً تابعة لإدراك أهمية المصالح أو اختلاف الاشتياقات، و اختلاف حركة العضلات سرعة و قوة تابعاً لاختلاف الإرادات كما هو ظاهر.


فما في تقارير بعض أعظم العصر رحمه الله - من أن تحريك النفس للعضلات في جميع الموارد على حدّ سواء - كما في تقارير بعض المحققين رحمه الله - من أن الإرادة التكوينية لا يتصور فيها الشدة و الضعف - مخالف للوجدان و البرهان: أمّا الأول فظاهر، ضرورة أفضلية إرادة الغريق لخلاص نفسه من إرادة الفاعل لكنس البيت و شراء الزيت. و أمّا الثاني: فلأن اختلاف الآثار يدلّ على اختلاف المؤثرات، و اختلاف حركة العضلات المشاهد كاشف عن اختلاف الإرادة المؤثرة فيها، كما أن اختلاف الدواعي موجب لاختلاف الإرادات، فالداعي لإنجاء المحبوب من الهلكة موجب



لإرادة الحتمية القوية، بخلاف الداعي إلى شراء اللحم، وهذا لا ينافي كون الإرادة بفعالية النفس كما هو التحقيق.»^۱

توضیح:

۱. اراده فاعل با توجه به مصالح موجود در فعل، تغییر می کند [خلافاً للمحقق العراقي].
۲. اختلاف در اراده ها باعث اختلاف در حرکات عضلات می شود. [خلافاً للمحقق النائینی]
۳. اختلاف در حرکات عضلات بالبداهة قابل درک است.
۴. اختلاف در اراده ها هم قابل اثبات است چراکه اختلاف در حرکات عضلات (معلول)، اختلاف در علل (اراده ها) را معلوم می سازد.
۵. همانطور اختلاف مصالح (انگیزه ها) باعث اختلاف اراده ها می شود.
۶. اینکه مصالح و انگیزه ها باعث اراده می شود با اینکه می گوئیم اراده معلول فعالیت نفس است، منافات ندارد [چراکه انگیزه علت فعالیت، نفس است و فعالیت نفس علت اراده است]

مقدمه دوم: 

«الثانية: أن الإرادة لما كانت من الحقائق البسيطة كالعلم والوجود، يكون التشكيك الواقع فيها خاصياً— ما به الافتراق بين مراتبها عين ما به الاشتراك— و لا يكون الاختلاف بينها بتمام الذات المستعمل في باب الماهيات، أو بعضها، أو خارجها، ضرورة عدم التباين الذاتي بين الإرادة القوية والضعيفة، و لا يكون اختلافهما ببعض الذات لبساطتها، و لا بأمر خارج، حتى تكونسا في مرتبة واحدة والشدة، والضعف لاحقان بها، فالإرادة كسائر الحقائق البسيطة يكون افتراق مراتبها كاشتراكها بتمام الذات، و تكون ذات عرض عريض و مراتب شتى.»^۲

توضیح:

۱. اراده از زمره بسائط است (مثل علم و وجود) و تشکیک در آن تشکیک خاصی است یعنی ما به الافتراق افراد آن عین ما به الاشتراك است.
۲. و تشکیک در آن به جزء ذات یا بعض ذات یا عوارض نیست.
۳. چراکه بالبداهة بین اراده قوی و اراده ضعیف تباین ذاتی و تباین به بعض ذات و تباین به عوارض نیست.

۱. مناهج الوصول إلى علم الأصول؛ ج ۱؛ ص ۲۴۷

۲. مناهج الوصول إلى علم الأصول؛ ج ۱؛ ص ۲۴۸



(تباين به عوارض به این صورت است که اراده قوی و اراده ضعیف در یک مرتبه باشند و قوت و ضعف به آنها ضمیمه شده باشد.)


ما می‌گوییم:

۱) تشکیک خاصی عبارت است از تشکیکی که در آن ما به الامتیاز عین ما به الاشتراک باشد مثل زمان کم و زمان زیاد، خط کوتاه و خط بلند که آنچه باعث کثرت شده است از جنس همان است که در قلیل موجود است.

اما تشکیک عامی عبارت است از تشکیکی که در صدق یک عنوان بر دو فرد موجود است اما به سبب عوارضی که عارض بر آن دو فرد شده است. پس ممکن است آن دو فرد از حیث ذات متواطی باشند (زید و عمرو در انسانیت متواطی هستند) ولی به سبب عوارض بتوان مفهومی را به صورت مشکک بر آنها حمل کرد. مثلاً گفت «زید سفید تر از عمرو است»

پس تشکیک در بیاض، تشکیک خاصی است و تشکیک در ایض (ذات معروض بیاض) تشکیک عامی است.

حال: باید توجه کرد که تشکیک در کیف و کم، تشکیک خاصی است و اراده نیز کیف نفسانی است و لذا تشکیک در آن، تشکیک خاصی است. [برای توضیح بیشتر ن ک: شرح منظومه قسمت منطق]

مقدمه سوم: 

«لثالثة: أن صدور الأمر من الأمر - بما أنه فعل إرادی له كسائر أفعاله الإرادیة - مسبوق بمقدمات من التصور إلى الإرادة و تحريك العضلات، غاية الأمر أن العضلات فيه عضلات اللسان، و تكون الإرادة فيه - قوة و ضعفاً - تابعة لإدراك أهمية الفعل المبعوث إليه، ضرورة أن الإرادة الباعثة إلى إنجاء الولد من الغرق أقوى من الباعثة إلى شراء اللحم. ثم إنه قد يظهر آثار الشدة في المقال، بل في كيفية تأدية الكلام شدة، أو في الصورة علوا و ارتفاعا، و قد [يقرن] أمره بأداة التأكيد و الوعد و الوعيد، كما أنه قد [يقرنه] بالترخيص في الترك، أو بما يفهم منه الوجوب أو الاستحباب.»^۱

توضیح:

۱. صدور امر از امر از افعال ارادی امر است و لذا مسبوق به مقدمات است.
۲. مقدمات عبارتند از تصور، تصدیق، شوق (غالباً)، شوق مؤکد، اراده و حرکت عضلات زبان.

۱. مناهج الوصول إلى علم الأصول؛ ج ۱؛ ص ۲۴۸



۳. شدت و ضعف اراده آمر، بستگی به درک اهمیت کاری دارد که قرار است انجام شود (ماده امر).
۴. وجود تفاوت در اراده موجود در آمر، بدیهی است.
۵. حال: شدت اراده گاه از گفتار و نحوه القاء کلام و بلندی صدا و گاه از اداة تأکید و وعده و وعیدها معلوم می شود و ضعف هم گاه از ترخیص در ترک معلوم می شود.
۶. وجود و استحباب از همین مقارنات معلوم می شود.

